

شب هی ترا از وصلت است بم
ز زن روز عیدین بعد نماز
اثر یافتند از آن در جماعت

در بیان وصل زنان بچونق

شب غزه با زن چو مقرون شود ^{فایده} از آن وصل فرزند مجنون شود
شب تلخ می کوبست اند جل
شب عید ظهر بود بر فراق
ز لیل عید اضحی چون در کشتار
هر آنکس که افتاد بر آن رات
مجوی وضو وصل زن ای خلیل
ز شعبان اگر نصف آخر رسید
اگر وصل زن مرد را شد نفیسا
هر آن شب که بچش فرمود

چون

بچونق ز وصل زن خویش مرد
نه پند نوی فرج گاهی وصل
که فرزند کور آید شتر از جلال

در بیان دست و پیره بردن

الای جوانان بوسل زنان
نه چه مرد در اندر آن شود
با کثر بداند از وی که زبان
شمار من این هفت که نمانده
تخت سینه مهر نماند که واسل شود
دوم کرده اندام از وی سبک
سیویم است آرام حاصل زوی
چهارم بود دفع مانع لیساه
پنجم بود حاصل از وصل زن
ششم تلخی زای نشاند فرو

چون